

در برابر پارلمان اروپا ، ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۵

سخنرانی آقای جلیل حسینی، نماینده جنبش جمهوری خواهان دموکرات و
لائیک ایران - شاخه بلژیک

محکوم ساختن رژیم جمهوری اسلامی در مرگ شاهرخ زمانی

با درود و سپاس فراوان خدمت شما سروران عزیز که در این گردهمایی
شرکت کرده اید و تشکر از برگزارکنندگان این مراسم.

مراسم امروز در واقع برای تجلیل و گرامی داشت زنده یاد شاهرخ
زمانی می باشد که دوستان دیگر در مورد ایشان صحبت فرمودند.

شاهرخ زندانی مقاومی که در راه آزادی مردم ایران و در دفاع از
حقوق حقه کارگران در مقابل رژیم غارتگر سرمایه های ملی، ذره ای
کوتاه نیامد. علیرغم شکنجه های مداوم، حسرت یک آخ را بر دل
مزدوران حکومت باقی گذاشت. البته بنده به عنوان یک خدمتگزار
فرهنگی و دبیر اخراجی دبیرستان های ایران، وظیفه خود می دانم
صدای اعتراض همکاران گرفتار در بند رژیم باشم.

از اعضای کانون صنفی معلمان، آقایان اسماعیل عبدلی، هاشمی،
بهشتی، باغانی، بهلولی، نیک نژاد، منصور موسوی، میلاد درویش و
اسطوره مقاومت، رسول بوداگی که سال ها در زیر شدیدترین شکنجه های
مزدوران اطلاعاتی ولایت فقیه، حاضر به مصاحبه نشد و بعد از اتمام
محکومیت، همچنان در بازداشت به سر می برد.

بنیانگذار حکومت داعش شیعه ایران، خمینی منفور، ۳۴ سال قبل، بعد
از کشتار ۳۰ خرداد ۶۰ به صحنه آمد و گفت من برای حفظ حکومت اسلامی
که از اوجب واجبات است، اگر لازم شود، احکام دین، مثل نماز، روزه
و حج را تعطیل می کنم. بعد ها مهندس بازرگان در یک محفل خصوصی
گفته بود، حرفی را که خمینی زد، پیامبر اسلام جرات نکرد، بر زبان
آورد. این حکم خمینی سند مکتوب و سری شورای امنیت نظام شد.
شوربختانه این طنز تلخ حکومت ملاها بود که بعد از خمینی بلافاصله
عین این حکم در حذف به اصطلاح یادگار امام - احمد خمینی - اجرا
شد. وقتی احمد خمینی در پادگان سپاه پاسداران، مستقیم از خیانت

های بعضی از سران حکومت و فرماندهان سپاه در شکست جنگ به نحوه حکومت خامنه ای انتقاد کرد، شورای عالی امنیت نظام که همین آقای حسن روحانی بیش از ۳۰ سال است که عضو آن می باشد، دستور حذف احمد را صادر کرد. چند سال بعد، مامور اجرای این حکم، سعید امامی، در اعترافات قتل های زنجیره ای به حذف احمد به دستور شورای عالی امنیت نظام و شخص فلاحیان اعتراف کرد. سعید امامی از خط قرمز عبور نمود. زیرا وقتی اعتراض احمد خمینی به حکومت خط قرمز است، اعتراف قاتل او هم به اقتدار نظام ضربه می زند.

آری، نسل ما در سی خرداد، اقتدار حکومت داعشی خمینی را به سخره گرفت. شعارهای مرگ بر خمینی کبوتران خونین بال، در پشت بند ۴ اوین بر تیرک های اعدام های دستجمعی، اقتدار خمینی را به چالش می کشیدند و گله های پاسداران بعد از اعدام، از زدن تیر خلاص بر پیکر نیمه جان آنان خودداری می کردند تا آخرین لحظه ممکن به شکنجه قربانیان خود ادامه داده و آنان را زجرکش کنند. عجا، درست ۱۸ سال بعد در جنبش سبز، بار دیگر جوانان ایران، به خصوص دختران و زنان میهن با حضور میلیونی و شعارهای مرگ بر دیکتاتور، راه برگشت سران سازش کار جنبش را مسدود نمودند. زیرا حرمت خون پاک نداها و سهراب ها و مقاومت جوانان که در بازداشتگاه های کهریزک و اوین برگی زرین از پایداری و جانبازی در راه آزادی ایران را رقم زده اند و پل های پشت سر سران جنبش را برای همیشه ویران نمودند و حاکمیت جمهوری داعش ایران برای دومین بار شکاف برداشت. رژیم سال ها است که برای دادن هزینه کمتر، علاوه بر اعدام های رسمی، عده ای از بهترین فرزندان ایران را در زندان ها تحت عنوان سگته قلبی، ایست قلبی، مرگ ناگهانی به قتل می رساند.

زنده یادان اکبر محمدی، سعیدی سیرجانی، زهرا کاظمی، علی رضا خیرآبادی، حجت زمانی، محسن دگمه چی، افشین اسالو، ستار بهشتی، هدا صابر نمونه های کوچکی از جنایات رژیم می باشند و مسلما، عاشق آزادی مردم ایران، زنده یاد شاهرخ زمانی آخرین آن ها نخواهد بود. هم چنین، ده ها قربانی دیگر وجود دارند که خانواده های آن ها با تهدیدات امنیتی روبرو می شوند و از ترس اذیت و آزار دیگر فرزندان خویش، قتل عمد فرزند زندانی خود را اعلام نمی کنند.

آن عاشقان شرز که با شب نزیستند
رفتند و شهر خفته ندانست کیستند
فریادشان تموج شط حیات بود
چون آذرخش در سخن خویش زیستند

مرغان پرگشوده توفان که روز مرگ
دریا و موج و سخره بر ایشان گریستند
می گفتم ای عزیز! سترون شده ست خاک
اینک ببین برابر چشم تو چیستند
هر صبح و شب به غارت توفان روند و باز
باز آخرین شقایق این باغ نیستند

شفیعی کدکنی